هدف شناخت

بهيه شهبازيان, شماره اشتراك 2676, از ايوان غرب

شناخت هدف در هر كارى, در پياده كردن

برنامه هاى آن كار, مؤثر است. هر مكتبى از جمله اسلام, هدف هايش را براساس ديدگاه هاى خود تعيين و طبق آن, برنامه هاى تعليمى و تربيتى را پيش نهاد مى كند.

تعريف هدف

هدف در لغت, به معناى (نشانه) و (غرض) است, اما در اصطلاح, چيزى است كه شخص قبل از عمل, آن را در نظر مى گيرد و نيروى خويش و وسايل لازم را براى وصول به آن به كار مى برد و غرضش دست يابى و رسيدن به آن است.

نقش شناخت و انتخاب هدف در كسب موفقيت

شناخت و انتخاب هدف, يكى از اساسى ترين موضوعات زندگى انسان است. اگر انسان هيچ شناختى از هدف خود در زندگى نداشته باشد, آن را پوچ و بى معنا خواهد يافت. همه فعاليت هاى آگاهانه و ناآگاهانه انسان زمانى مفهوم خواهد داشت كه هدف نهايى اش در زندگى روشن باشد.

با اندكى دقت مى توان فهميد هدفى كه ما براى زندگى خود در نظر مى گيريم همه آن را تحت تأثير قرار مى دهد; به تعبيرى ديگر, به زندگى ما جهت و معنا مى بخشد. اگر انسان ها در زندگى خود روش هاى متفاوتى دارند به اين دليل است كه هدف هاى مختلفى را دنبال مى كنند. به هر قدر اين هدف ها با ارزش تر و والاتر باشد, به همان اندازه زندگى انسان از ارزش و كيفيت عالى ترى بهره مند خواهد شد. بنابراين, سعادت و يا شقاوت انسان در گرو (شناخت هدف) و انتخاب آن است. چه بسا افرادى هستند كه سال ها در اين دنيا زندگى مى كنند و به علت سرگرم شدن به كارهاى روزمره و به خصوص غرق شدن در ظواهر زندگى و لذت هاى مادى و آرامش دروغين, هرگز به اساسى ترين مسئله زندگى يعنى (شناخت و انتخاب هدف) نمى انديشند; اين عده به تعبير قرآن كسانى هستند كه به حيات دنيا راضى شده و به آن آرام گرفته اند.1 اما در مقابل, وارستگانى هستند كه با بعد متعالى حيات آشنا شده اند. اينان توانسته اند در سايه تحصيل كمال, دريچه اى از عالم بالا به روى خود بگشايند و با عظمت هاى معنويِ زندگى آشنا شوند.

پس به جرأت مى توان گفت كه اساس موفقيت انسان در مسير پر پيچ و خم زندگى, شناخت و انتخاب هدف مى باشد و كسانى كه در اين راه مسير صحيح را انتخاب كرده و هدف خويش را هم چو مشعلى فروزان در انتهاى مسير نظاره گرند, همواره موفق و پيروز هستند.

انواع هدف و راه هاى شناخت اهداف عالى در زندگى

اگر به طور سطحى به محور بحث بنگريم, اولين چيزى كه به ذهنمان خطور مى كند اين است كه يكسرى از اهداف, كوتاه مدت هستند و يكسرى ميان مدت و اهدافى ديگر كه بلند مدت هستند; اما در يك نگاه عمقى و گسترده تر, با استفاده از تعاليم اسلام درمى يابيم كه: در دين مبين اسلام دو نوع هدف وجود دارد:2

1. هدف هاى مقدماتى; 2. هدف هاى نهايى و برتر.

هدف هاى مقدماتى, هدف هايى هستند كه در ابعاد فردى و اجتماعى, زمينه ساز دست يابى انسان به هدف نهايى و برتراند. اهداف مقدماتى را مى توان به اهداف مقدماتى عالى, اهداف مقدماتى متوسط و اهداف مقدماتى دانى تقسيم كرد. ملاك شناخت اين مراتب و امتياز آن ها از يك ديگر, وجود انسان است, زيرا انسان تركيبى از جسم و روح مى باشد. بنابراين آن چه فقط با بعد روحى و معنوى انسان ارتباط داشته و در جهت پرورش و اصلاح روح و حفظ حيات معنوى باشد, از اهداف عالى در زندگى انسان محسوب مى شود. آن چه صرفاً در ارتباط با جنبه مادى و در جهت مصالح جسم و تقويت حيات مادى انسان باشد, از اهداف دانى در زندگى انسان به شمار مى رود, و اهدافى كه به هردو بعد جسم و روح مربوط شود, از اهداف متوسط مى باشد.

براى توضيح بيشتر نمونه هايى از اهداف فوق را ذكر مى كنيم:

مثلاً شناخت دين, شناخت انسان و ارزش هاى اخلاقى, عبادت, ايمان به پيامبران, اعتقاد به امامت و ولايت, ايمان به غيب و آخرت, انتظار فرج و ظهور حضرت مهدى ـ ارواحنا فداه ـ و… از اهداف مقدماتى عالى است.

عدالت اجتماعى, ايجاد رابطه صحيح با طبيعت, افراد و جامعه, تعديل غرايز, كوشش در رفع نيازهاى اقتصادى, فرهنگى, بهداشتى, نظامى جامعه, تشكيل خانواده, پرورش صحيح كودكان, صله رحم, همكارى و اهتمام در امور برادران دينى … از اهداف مقدماتى متوسط است.

تحصيل و تعليم علوم مختلف, كوشش در بهداشت بدن, رعايت نظافت, تلاش براى بهبود زندگى و توسعه امكانات و نعمت هاى مادى, كسب و كار و تجارت, رشد توليدات صنعتى و كشاورزى, … از مصاديق اهداف مقدماتى دانى است.

بايد توجه داشت كه دانى بودن اين اهداف به اين معنا نيست كه نسبت به هدف هاى عالى و متوسط, پايين ترند, چرا كه هريك در جاى خويش ارزش مند است. هم چنين بايد توجه داشته باشيم كه اهداف مقدماتى از مطلوبيت ذاتى برخوردار نيستند, زيرا همه آن ها با تنوع مراتبشان, مقدمه و وسيله اى براى وصول به هدف نهايى و برتر مى باشند.

اما اهداف نهايى و برتر از نظر دين مبين اسلام, وصول به مقام قرب الهى و رضوان خدا است. مى دانيم كه وجود انسان مطلقاً نيازمند خداى متعال است. آن چه انسان دارد, رشحه اى از فيض بى كران الهى است: (اللهُ الذى خَلَقَكم ثُم رَزَقَكم ثم يميتكم ثم يُحييكُم;3 خدا است كه شما را بيافريد, آن گاه روزى بخشيد; پس شما را مى ميراند و دوباره زنده مى كند). بنابراين, مبدأ خلقت و هستى انسان, خدا است و بازگشت همه نيز به سوى او خواهد بود: (انّا للّه و انّا اليه راجعون).4 قرآن بر اين حقيقت تصريح دارد; آن جا كه مى فرمايد: (يا ايها الانسانُ انّك كادح الى ربّك كدحاً فملاقيه;5 اى انسان تو با رنج و تلاش به سوى پروردگارت سير مى كنى و سرانجام او را ملاقات خواهى كرد.)

در دين مبين اسلام, دستورالعمل هايى است كه اگر به آن عمل شود, مسلمان با جانى پاك و وارسته از پليدى ها, خدا را ملاقات خواهد كرد و به خشنودى و رضوان خدا و مقام قرب الهى نايل خواهد آمد. در مسير اين هدف, هر عملى را كه انسان براى خشنودى خدا انجام مى دهد, قرب معنوى او به خدا بيشتر مى شود و هر خلاف و عصيانى كه از او سر مى زند, از رحمت ورضوان الهى دور مى گردد.

نقش دين در شناخت هدف واقعى

دين در شناخت هدف واقعى ما نقش بسزايى دارد. جامعه اى كه به خدا و معاد عقيده مند است, زندگى را وسيله اى براى دست يابى به هدف واقعى مى داند. چنين جامعه اى به خود اجازه نمى دهد كه هم چون جوامع مادى و عارى از اعتقاد كه هدف و آرمانشان مشخص نيست, فقط براى جنبه هاى مادى تلاش كند و از ترقى معنوى غافل بماند.

هر اندازه هدف و اعتقاد, منحط و دور از واقع باشد, به همان اندازه انسان از تكامل حقيقى باز مى ماند و نيازهاى واقعى و راستين وى برآورده نمى شود. پيش رفت در زمينه هاى صرفاً مادى, در حقيقت ركود است, زيرا با انحطاط در زمينه هاى اخلاقى و معنوى همراه است, چون هر انسانى بر آن است كه خود را با آن چه در عقيده دارد, تطبيق دهد. زندگى هرگونه باشد, نتيجه هدفى است كه انسان براى رسيدن به آن طى مى كند و در واقع نشأتى از چگونگى تفكر او است. اگر هدف و اعتقاد و ايمان به گونه اى صحيح و بر مبنايى درست استوار باشد, نتيجه آن عزت و عظمت است.

نقش علم, اخلاق و همسر در انتخاب, تداوم و نيل به هدف

علم و اخلاق و همسر در انتخاب و نيل به هدف جايگاه ويژه اى دارند.بعضى افراد علم را در زندگى خود هدف قرار مى دهند, كه در اشتباه اند. البته بعضى علوم, هدف هستند; مثل مسائل مربوط به اعتقادات و معارف الهى; از اين ها كه بگذريم ساير علوم وسيله اند نه هدف. انسان عالم مى كوشد تا خود را در حد امكان به صفات خدايى بيارايد و از پستى به اوج كمال, كه هدف نهايى است, دست يابد. چنين كسى خدا را عزيز مى داند و حاضر نيست در برابر تجاوزگران خضوع كند و آن ها را عزيز بداند, بلكه سعى مى كند با پيروى از دستورهاى خداوند, در راه نيل به هدف, عزت را در خويش به وجود آورد.

معمولاً انتخاب هدف با نوع بينش شخص ارتباط مستقيم دارد. ايدئولوژى, جهان بينى و خلق و خوى هر شخص بيان گر نوع هدفى است كه او انتخاب مى كند. هدفى كه يك فرد درست كار, متقى و در يك كلام شخص با ايمان دنبال مى كند, مسلماً در راه آرمان هاى الهى و در مسير معنويت است; برعكس, كسى كه در زندگى به دنبال هوا و هوس و نفسانيات و رذايل مى رود هدفى برخلاف احكام الهى را دنبال مى كند.

هرچند انسان بايد شور و نظر ديگران را بشنود و نهايتاً خود با تجزيه و تحليل, بهترين را انتخاب كند, اما در اين بين, بينش همسر نيز به شخص كمك مى كند تا همواره راه صحيح را برگزيند. اخلاق و رفتار و خلقيات همسر ـ هرچند رأى و نظرى هم ندهد ـ با فراهم كردن شرايط آرامش روح و روان و دل دارى و ايجاد روحيه تلاش گرى بيشتر مى تواند به نحو قابل ملاحظه اى در پيشبرد شخص به سوى هدف نقش داشته باشد.

ذكر نمونه هايى از داستان زندگى انسان هاى موفق

ايمان به هدف, محركى باطنى و درونى است كه خواه ناخواه انسان را به سوى هدف مى كشاند. هرچند در اين راه جان خويش را از دست بدهد. بدون شك عشق و علاقه و اعتقاد و ايمان به هدف بود كه امت شهيد پرور ايران, چه در بحبوحه دوران انقلاب و چه بعد از پيروزى انقلاب در طول هشت سال دفاع مقدس, انواع سختى ها و مرارت ها را به قيمت جان پذيرفتند و با خار و تير هم بستر گشتند و جان و مال خود را فداى هدف كردند.

چهارده قرن پيش در بيابان (بدر) مسلمانان كه شمار آن ها از 313 نفر تجاوز نمى كرد و از نظر ابزار جنگى و دفاعى تجهيزات كافى نداشتند, با ارتش مجهز و نيرومند (قريش) روبرو شدند. شانس پيروزى در طرف اسلام از نظر محاسبه يك كارشناس نظامى بسيار ناچيز بود و هرگز تصور نمى شد كه اين گروه ناچيز سازمان يك ارتش نيرومندى را درهم كوبند; ولى برخلاف پندارها, يك اقليت مجهز با نيروى ايمان به هدف در ظرف چند ساعت بر يك ارتش مجهز پيروز گرديد.

در جنگ (ويتنام) مى بينيم كه يك ملت پابرهنه و مسلح به نيروى تير و كمان در پرتو ايمان و اعتقاد به هدف, اقتصاد و سازمان وسيع آمريكا را به زانو درآورد, چرا كه سربازان ويتنامى براى هدف مشخصى كه همانا پايان دادن به دوران استعمار و كسب آزادى بود, مبارزه كردند.

چرا بعضى افراد در زندگى هدف ندارند؟

كسى كه در زندگى خود هدفى نداشته باشد, زندگى اش پوچ و بى معنا است. افراد بى هدف معتقدند جهان و انسان براساس طرح و نقشه قبلى به وجود نيامده تا هدف و مقصدى از پيش تعيين شده داشته باشد و براى رسيدن به آن هدف خلق شده باشد. همه چيز در جهان به صورت كور و تصادفى و بدون هدف به وجود آمده است. معتقدان به اين اعتقاد, زندگى را فاقد معنا مى دانند و به همين دليل هيچ هدفى نيز ندارند.

اما در ديدگاه معتقدان به خدا, نه تنها انسان بلكه آفرينش همه چيز براى رسيدن به هدف مشخصى است و لذا هرچيز در ارتباط با نظام هستى, معنادار و هدف مند است. كارى كه انسان بايد انجام دهد اين است كه با كمك گرفتن از فرستادگان ويژه خدا, آن هدف را كشف كند و براى رسيدن به آن بكوشد. اين هدف نهايى, همانا رسيدن به سعادت جاودانى در جوار رحمت الهى است.

پى نوشت ها:

1ـ يونس(10) آيه 7.

2ـ برگرفته از: محمد فاضل جمالى, تعليم و تربيت از ديدگاه قرآن.

3ـ روم(30) آيه 40.

4ـ بقره(2) آيه 156.

5 ـ انشقاق(84) آيه6.